

تفاوت شخص حقیقی و حقوقی

امیرحسین راستی پور^۱ - نازنین کریمی^۲

زمستان ۱۴۰۰

۱. چکیده

از لحاظ حقوقی صرفاً شخص می تواند طرف حق قرار بگیرد و به بیان دیگر فقط اشخاص هستند که می توانند صاحب و تکلیف باشند. اشخاص به دو دسته حقیقی و حقوقی تقسیم می شوند. نگارندگان در این پژوهش هدف بیان وجوه تمایز شخص حقیقی و حقوقی را دنبال می کنند تا در پایان بتوان درک درست و جامعی از ویژگی های اشخاص حقیقی و حقوقی و همچنین شباهت و تفاوت آن دو به دست آورد. لازم به ذکر است که این پژوهش صرفاً جنبه دانشگاهی دارد و به منظور فعالیت های کلاسی درس حقوق اساسی (۱) تدوین شده است. امیدواریم این پژوهش در پایان کاربردی در رشته حقوق را برای خوانندگان محترم پژوهش نمایان کند.

E-mail: AmirRastipour1382@gmail.com

E-mail: nazaninkarimi041@gmail.com

۱. دانشجوی کارشناسی رشته حقوق در دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. دانشجوی کارشناسی رشته حقوق در دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. واژگان کلیدی

شخصیت، شخص حقیقی، شخص طبیعی، شخص حقوقی.

۳. مقدمه

شخص یکی از مباحث مهم حقوق مدنی و به معنای کسی است که موضوع حق قرار می‌گیرد؛ مانند انسان، شرکت تجاری و دولت.^(۱) در علم حقوق به کسی شخص اطلاق می‌شود که دارای شخصیت است و منظور از شخصیت نیز خصوصیت و ویژگی است که موجب می‌شود دارنده آن، طرف حق و تکلیف قرار گیرد. در واقع شخصیت به منظور شایستگی شخص برای طرف و صاحب حق یا تکلیف قرار گرفتن است. بنابراین، شخص و شخصیت ملازم یکدیگرند. شخص یا طبیعی^(۲) است یا حقوقی. شخص طبیعی عبارت است از فرد انسانی. شخص حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد که دارای منافع مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده‌اند و قانون برای آنها شخصیت مستقلی قائل است. در سرفصل‌های این پژوهش هرکدام از این اشخاص را بصورت تطبیقی در موضوعات خاص به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم.

۴. آغاز و پایان شخصیت

اصولاً وجود شخص طبیعی، از نظر حقوقی با تولد او آغاز می‌شود و از این تاریخ است که انسان طرف حق قرار می‌گیرد و از حقوق (حقوق مدنی و ...) برخوردار می‌گردد. طبیعتاً وجود انسان موجود محرز و بدیهی است ولی آیا جنین هم شخصیت دارد؟ ممکن است جنین، از لحاظ زیست‌شناسی موجود مستقلی به شمار آید و شخص محسوب گردد، ولی از نظر حقوقی تا زمانی که زنده به دنیا نیامده است، اصولاً نمی‌تواند دارنده حق و تکلیف باشد؛ بنابراین شخصیت حقوقی جنین از لحظه تولد وی شکل می‌گیرد حتی اگر فوراً پس از تولد بمیرد. با این وجود که دارا شدن شخصیت برای جنین مشروط به زنده به دنیا آمدن است، ممکن است جنین، حتی قبل از تولد دارای حقوقی گردد. برای مثال ممکن است کسی به نفع او وصیت کند، (قانون مدنی، ماده ۸۵۱) اما جنین، به شرطی می‌تواند از این حقوق متمتع گردد که زنده متولد گردد. (قانون مدنی، ماده ۹۵۷) بنابراین، می‌توان گفت که جنین هم، دارای نوعی شخصیت است، که این شخصیت، از طرفی متزلزل است؛ چون مشروط به زنده متولد شدن است، و از سوی دیگر ناقص است؛ چون دارای تکلیف نمی‌باشد. البته راجع به وصیت در مثال بالا باید متذکر شد که درباره لزوم قبول برای حملی که زنده به دنیا آمده و در گذشته است اختلاف وجود دارد و لزوم قبول با قواعد سازگارتر است^(۳) پایان زندگی شخص حقیقی با مرگ^(۴) صورت می‌گیرد که آثار خاص خود را دارد.

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۷۸، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ دهم.

۲. شخص طبیعی همان شخص حقیقی است.

۳. کاتوزیان امیرناصر، عقود معین، جلد ۳، شماره‌های ۱۷۵ و ۲۶۳.

۴. مرگ ممکن است بصورت طبیعی باشد یا حکم موت فرضی صادر شود. حکم موت فرضی در مورد غایب مفقودالثر می‌باشد که در مواد ۱۰۱۱ تا ۱۰۳۰ ق.م.بدان پرداخته شده است.

شخص حقوقی نیز زمانی به وجود می‌آید که گروهی از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند، یا اموالی که به اهداف خاصی اختصاص داده شده‌اند، در کنار هم قرار می‌گیرند و قانون آنها را طرف حق و تکلیف بشناسد.^(۱) قانون در مواردی، برای ایجاد و تشکیل شخصیت حقوقی، زمان مشخصی را تعیین نموده است. مثلاً مؤسساتی که برای مقاصد غیرتجارتی تاسیس شوند، از تاریخ ثبت در دفتر ثبت؛ (قانون تجارت، ماده ۵۸۴) مؤسسات دولتی، به محض ایجاد و بدون نیاز به ثبت؛ (قانون تجارت، ماده ۵۸۷) و شرکت‌های تجاری سهامی، پس از قبول سمت مدیران و بازرسان، تشکیل شده محسوب می‌شوند. (لایحه موادی از قانون تجارت، ماده ۱۷) اما پایان وجود اشخاص حقوقی حقوق خصوصی (غیر از وقف)، با انحلال و پایان عمل تصفیه، صورت می‌گیرد. شخصیت حقوقی وقف دوام بیشتری دارد و تا زمانی که عین موقوفه باقی باشد، این شخص به حیات خود ادامه می‌دهد. شخصیت حقوقی به شخصیتی اعتباری و غیرحقیقی گفته می‌شود.

۵. شخص طبیعی

همانطور که گفتیم وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می‌شود. یعنی تا قبل از تولد و در دوران جنینی موجود مستقلی به شمار نمی‌آید اما ممکن است دارای حق باشد مشروط به این که زنده متولد شود. ماده ۹۵۷ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد مشروط بر اینکه زنده متولد شود.» یعنی ممکن است کسی به نفع او وصیت کند و در نتیجه برای او حقی ایجاد شود (ماده ۸۵۱ قانون مدنی: وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود). و یا طبق ماده ۸۷۵ ق.م.ا.ر می‌برد. (قانون مدنی، ماده ۸۷۵: شرط وراثت زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد.) وجود شخص طبیعی با مرگ پایان می‌پذیرد. انسان با مرگ شخصیت خود را از دست می‌دهد و دیگر نمی‌تواند صاحب حق و تکلیف باشد.

۵.۱. ممیزات

هر شخص بوسیله نام، اقامتگاه و اسناد ثبت احوال از اشخاص دیگر متمایز می‌شود، پس می‌توان این موضوعات را با عنوان ممیزات شخص طبیعی مورد مطالعه قرار داد. بعضی از استادان حقوق این موضوعات را با عنوان مختصات اشخاص بررسی کرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که اصطلاح ممیزات برای بیان مفهوم رساتر باشد، زیرا داشتن حقوق و تکالیف هم از مختصات و ویژگیهای اشخاص است.^(۲) چنانکه هدف پژوهش بیان تفاوت شخص طبیعی و حقوقی را ایجاب می‌کند فلذا ممیزات بصورت خلاصه ارائه می‌شوند؛ چراکه هر کدام از ممیزات شامل مباحث گسترده‌ای هستند که از چارچوب پژوهش خارج می‌باشند.

۱. مدنی، سیدجلال الدین، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، ج ۷، ص ۹۲، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵، چاپ اول

۲. صفایی سیدحسین و قاسم‌زاده سیدمرتضی، حقوق مدنی، جلد اول (اشخاص و محجورین)، شماره ۷۲.

نام که یکی از ممیزات اشخاص حقیقی است از دو جزء ترکیب می‌شود: نام شخصی یا نام کوچک که آن را به اختصار نام می‌گویند و نام خانوادگی نیز جزء دیگری از آن است. نام و نام خانوادگی شخص که در دفاتر ثبت احوال به ثبت می‌رسد دارای آثار حقوقی می‌باشد. سایر عناوین شخصی که ممکن است باعث تمیز انسان از دیگران باشد، مانند اسم نویسندگی و تخلص و کنیه و نام تجارتي، جزء نام به معنی خاص که در شناسنامه هرکس و دفاتر ثبت احوال قید شده، نمی‌باشد و تابع مقررات مربوط به نام نیست.^(۱) نام خانوادگی شخص دارای آثار حقوقی است که در زیر به اختصار این آثار را شرح داده خواهد شد:

۵,۱,۱,۱ به کار بردن

به کار بردن نام هم حق و هم تکلیف است. از آنجا که به کار بردن نام خانوادگی حق شخص است، نمی‌توان شخص را از استفاده از نام قانونی خود منع کرد. از سوی دیگر به کار بردن نام خانوادگی یک تکلیف است و انسان مکلف است با نام خانوادگی که برای او تعیین شده و به ثبت رسیده است خود را به مراجع قانونی معرفی کند و اسناد قراردادها را با نام خانوادگی خود امضا نماید. هم چنین هنگام شرکت در انتخابات از نام خودش استفاده کند.

۵,۱,۱,۲ نام خانوادگی

نام خانوادگی یک حق برای شخص ایجاد می‌کند که مورد حمایت قانون است. هرکس که نام خانوادگی او را شخص دیگری بدون حق، انتخاب و اتخاذ کرده باشد، می‌تواند در دادگاه اقامه دعوی کرده و تغییر نام خانوادگی آن شخص را بخواهد. (به علاوه قانون برای کسی که نخستین بار یک نام خانوادگی را برای خود انتخاب کرده و در دفتر نام خانوادگی اداره ثبت احوال به ثبت رسانده است حقی به عنوان حق تقدم نام خانوادگی قائل شده است که قابل انتقال به ورثه است. براساس این حق دیگری نمی‌تواند در حوزه آن اداره همان نام خانوادگی را انتخاب کند، مگر با اجازه دارنده حق تقدم.)^(۲) ماده ۹۹۸ ق. م: «هر کس که اسم خانوادگی او را دیگری بدون حق اتخاذ کرده باشد می‌تواند اقامه دعوی کرده و در حدود قوانین مربوطه تغییر نام خانوادگی غاصب را بخواهد...»

۵,۱,۱,۳ نقل و انتقال

چون حق شخص بر نام خود یک حق غیرمالی (حق غیرمالی حقی است که موضوع آن مستقیماً مال نباشد) و از حقوق مربوط به شخصیت است، قابل نقل و انتقال نیست. البته حق تقدم نام خانوادگی پس از فوت دارنده آن به وراثت قانونی او انتقال می‌یابد و هر یک از وراثت می‌تواند علیه شخصی که نام خانوادگی او را بدون مجوز قانونی انتخاب کرده، اقامه

۱. صفایی سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۱۳۸۹، صفحات ۴۱ و ۴۲.

۲. قانون جدید ثبت احوال، ماده ۴۱.

دعوی نماید و تغییر نام خانوادگی او را از دادگاه بخواهد، ولی اگر وراثت بخواهند به شخصی اجازه دهند که نام خانوادگی آنها را انتخاب کند، باید همگی اجازه دهند.^(۱)

۵,۱,۲ اقامتگاه

اقامتگاه نیز مانند نام، یکی از وجوه تمایز اشخاص حقیقی است و شخص را از لحاظ حقوقی به محل خاصی مرتبط می‌سازد. همان طور که هر شخص نامی دارد، اقامتگاهی نیز باید داشته باشد زیرا روابط حقوقی اشخاص ایجاب می‌کند که برای هر شخص محل معینی به عنوان اقامتگاه در نظر گرفته شود. شخص همیشه در اقامتگاه خود حاضر فرض می‌شود اگرچه در واقع در آن محل حضور نداشته باشد.

ماده ۱۰۰۲ ق. م در تعریف اقامتگاه مقرر می‌دارد: «اقامتگاه هر شخصی عبارت از محلی است که شخص در آنجا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آنجا باشد اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد مرکز مهم امور او اقامتگاه محسوب است. اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.» مثلاً ممکن است شخصی در کرج سکونت داشته باشد اما مرکز مهم امور او تهران باشد که در این صورت مرکز مهم امور شخص (تهران) اقامتگاه او خواهد بود. اقامتگاه سه نوع است:

۱. اقامتگاه اختیاری یا ارادی محلی است که شخص برای سکونت و امور مهم خویش اختیار می‌کند. اصولاً هر شخص در انتخاب اقامتگاه آزاد است.

۲. اقامتگاه اجباری اقامتگاهی است که قانون برای بعضی اشخاص تعیین می‌نماید، بدون این که اراده شخص در آن دخالت داشته باشد. مثلاً اقامتگاه مامورین دولتی محلی است که در آنجا ماموریت دارند، البته ماموریتی که مقید به مدت معین نیست.^(۲)

۳. اقامتگاه قراردادی اقامتگاه خاصی است که طرفین معامله برای اجرای تعهدات یا دعاوی ناشی از قرارداد یا ابلاغ اوراق دادرسی انتخاب می‌کنند.

۵,۱,۳ اسناد ثبت احوال

به اسناد مربوط به احوال شخصیه (احوال شخصیه اوصافی است که مربوط به شخص می‌باشد و قابل تقویم به پول نیست مانند ازدواج و طلاق) که برابر مقررات ثبت احوال به وسیله ماموران رسمی تنظیم می‌شوند اسناد ثبت احوال یا اسناد سجلی می‌گویند. اسناد زیر از جمله اسناد ثبت احوال به شمار می‌آید:

۱. قانون ثبت احوال، ماده ۴۱.

۲. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۱۶، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، چاپ هفدهم.

سند ثبت ولادت، سند ثبت مرگ، شناسنامه، کارت شناسایی (کارت ملی)، دفتر رسمی ازدواج و عقدنامه، دفتر رسمی طلاق و طلاقنامه.

۶. شخص حقوقی

قانونگذار نه فقط از منافع فرد به عنوان شخص طبیعی حمایت می‌کند، بلکه منافع گروه‌ها و اجتماعات بشری را که برای وصول به هدف‌های مشروع تشکیل می‌شوند نیز مورد حمایت قرار می‌دهد. برای این که گروه‌ها و اجتماعات بشری بتوانند فعالیت خود را توسعه دهند و به هدف‌های مشروع خود نایل گردند، باید بتوانند مالک اموالی گردند، آنها را اداره کنند، اعمال لازم برای زندگی حقوقی را انجام دهند اقامه دعوی نمایند و از دعوایی که بر آنها اقامه می‌شود دفاع کنند. نمی‌توان پذیرفت که هر یک از اعضای گروه در اعمال لازم برای نیل به هدفهای گروه شرکت نمایند، یا هر یک به تنهایی آنها را انجام دهند. بنابراین باید گروه‌ها و اجتماعات را نیز طرف حق محسوب داشت و برای آنها شخصیتی متمایز و مجزا از شخصیت اعضای آنها قائل شد و به آنها اجازه داد که به وسیله‌ی نمایندگان صلاحیت‌دار خود اعمال لازم برای زندگی حقوقی را انجام دهند. از این رو در حقوق کشورها علاوه بر شخص طبیعی که صاحب حق و تکلیف است، شخص حقوقی نیز شناخته شده است که می‌تواند مانند شخص طبیعی صاحب حق و تکلیف باشد. قانونگذار ایران فقط برای بعضی از گروه‌ها و اجتماعات بشری شخصیت حقوقی قائل شده است، بلکه پاره‌ای اموال را نیز که موقوفه یا بنیاد نامیده می‌شوند از شخصیت حقوقی برخوردار کرده و به مسئولان حفظ و اداره آنها اجازه داده است که به نام شخصیت حقوقی مزبور تصمیمات لازم اتخاذ نمایند.^(۱)

شخص حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده‌اند و قانون برای آنها شخصیت مستقلی قائل است، مانند شرکت‌های تجاری، دولت، دانشگاه تهران، انجمن‌ها. بنابراین شخص حقوقی موجودی است اعتباری که برای رسیدن به اهداف خاصی پدید آمده است.^(۲)

۶،۱ اقسام

شخص حقوقی دارای اقسامی است و ممکن است مربوط به حقوق عمومی یا حقوق خصوصی باشد و در هر حال می‌تواند مانند شخص طبیعی طرف حق واقع گردد و حقوق و تکالیفی داشته باشد.^(۳)

۶،۱،۱ حقوق عمومی

شخص حقوقی ممکن است مربوط به حقوق عمومی باشد، مانند شرکت ملی نفت و شهرداری تهران. به طور کلی دولت و شهرداری‌ها و برخی مؤسسات و سازمان‌های عمومی که از استقلال مالی و اداری برخوردارند از این دسته‌اند.

۱. صفایی سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۱۳۸۹، صفحات ۷۱ و ۷۲.

۲. مدنی، جلال الدین، حقوق مدنی، ج ۷، ص ۹۲، تهران، انتشارات پایدار، ۱۳۸۵، چاپ اول.

۳. صفایی سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، چاپ ۱۳۸۹، صفحه ۷۲.

شرکت‌های دولتی نیز از اشخاص حقوق عمومی هستند. ماده ۵۸۷ قانون تجارت مقرر می‌دارد: «مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی (شهری) به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» البته منظور از مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی مذکور در این ماده، شرکت‌های تجاری دولتی نیست.^(۱)

بنابراین اشخاص حقوقی مربوط به حقوق عمومی به محض ایجاد، شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند و اصولاً نیازی به ثبت آنها نیست. (برخلاف اشخاص حقوقی خصوصی که طبق قانون باید به ثبت برسند.) البته ممکن است ثبت اشخاص حقوقی خصوصی به موجب قانون خاص لازم باشد، مانند شرکت واحد سهامی اتوبوسرانی عمومی که طبق ماده یک آئین‌نامه اجرای قانون تاسیس شرکت اتوبوسرانی باید براساس مقررات قانون تجارت به ثبت برسد.^(۲)

گاهی تشخیص این که یک شخص حقوقی مربوط به حقوق عمومی یا حقوق خصوصی است، دشوار است اما به طور کلی می‌توان گفت اگر سرمایه شخص حقوقی کلاً یا بیشتر آن متعلق به دولت و شهرداری باشد یا هدف و فعالیت آن از اهداف و فعالیت‌های عمومی باشد، شخص حقوقی مربوط به حقوق عمومی تلقی می‌شود.

۶،۱،۲ حقوق خصوصی

این دسته از اشخاص حقوقی با روابط خصوصی مردم سروکار دارند و فعالیت آنها در زمینه حقوق خصوصی است. اشخاص حقوقی خصوصی خصوصی رامی توان به سه دسته تقسیم کرد:^(۳)

۶،۱،۲،۱ شرکت‌های تجاری

شرکت تجاری از گروهی از افراد تشکیل می‌شود که اموال یا خدماتی را به منظور فعالیت بازرگانی مشترک و تقسیم منافع بین خود، در میان می‌گذارند. شرکت‌های تجاری دارای انواع مختلفی است که در قانون تجارت آمده است. طبق ماده ۲۰ قانون تجارت، شرکت‌های تجاری برهفت قسم است:

۱- شرکت سهامی ۲- شرکت بامسئولیت محدود ۳- شرکت تضامنی ۴- شرکت مختلط غیرسهامی ۵- شرکت مختلط سهامی ۶- شرکت نسبی ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف

برابر با ماده ۵۸۳ ق.ت: «کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.» شرکت‌های تجاری از حین ایجاد دارای شخصیت حقوقی هستند اما شخصیت آنها زمانی کامل می‌شود که طبق مقررات به ثبت برسند. ثبت شرکت‌ها در تهران در اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها در اداره ثبت اسناد مرکز اصلی شرکت به عمل می‌آید.

۱. فرحناکیان، فرشید، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، ص ۶۹۶، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۷، چاپ اول.

۲. صفایی، حسین، اشخاص و اموال، ص ۷۲.

۳. صفایی، حسین، اشخاص و اموال، ص ۷۳.

۶,۱,۲,۲ مؤسسات غير تجارتي

مؤسسات غير تجارتي مؤسساتي هستند که از گروهی از افراد برای مقاصد غير تجارتي، اعم از انتفاعی و غير انتفاعی، تشکیل شده‌اند. بنابراین مؤسسات غير تجارتي به دو بخش تقسیم می‌شوند:

(الف) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها جلب منافع و تقسیم آن بین اعضای خود نیست، مانند انجمن‌هایی که برای حمایت از حیوانات تشکیل می‌شوند.

(ب) مؤسساتی که مقصود از تشکیل آنها سودجویی و جلب منافع مادی است، مانند مؤسسات حقوقی

ماده ۵۸۴ ق. ت مقرر می‌دارد: «تشکیلات و مؤسساتی که برای مقاصد غير تجارتي تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.» بنابراین تشکیلات و مؤسسات غير تجارتي قبل از ثبت هیچ گونه شخصیت حقوقی ندارند و پس از ثبت است که شخصیت حقوقی پیدا می‌کنند.

۶,۱,۲,۳ موقوفات

موقوفات اموالی هستند که از جریان دادوستد خارج شده و به یک هدف نیک اختصاص داده شده است. (وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود.)^(۱) این اموال دارای شخصیت حقوقی هستند. ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۲ مقرر می‌دارد: «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می‌باشد.» وقف هنگامی محقق می‌شود که مالک با شرایط قانونی مالی را از ملکیت خود خارج ساخته و منافع آن را به یک امر مشروع اختصاص دهد و مال موقوفه را به موقوف علیهم یا متولی یا حاکم تسلیم نماید. (در صورتی که موقوف علیهم محصور باشند خود آنها قبض می‌کنند... و اگر موقوف علیهم غير محصور یا وقف بر مصالح عامه باشد متولی وقف و الا حاکم قبض می‌کند.)^(۲)

۶,۲ حقوق و تکالیف

برابر با ماده ۵۸۸ ق. ت: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق و وظایف ابوت (پدری) و بنوت (پسری) و امثال ذلک.»

۱. قانون مدنی، ماده ۵۵.

۲. قانون مدنی، ماده ۶۲.

بنابراین شخص حقوقی می‌تواند نامی داشته باشد. شخص حقوقی دارای تابعیت کشور خاصی است. (اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است.)^(۱) همچنین شخص حقوقی دارای اقامتگاه است که طبق قانون مدنی مرکز عملیات او است. (... اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود.)^(۲) شخص حقوقی می‌تواند مالک، بدهکار یا بستانکار باشد و در حدود صلاحیت و هدف خود اعمال حقوقی انجام دهد.

از آنجا که شخص حقوقی نمی‌تواند مستقیماً حقوق خودش را اجرا کند و اعمال حقوقی انجام دهد، قانونگذار در ماده ۵۸۹ ق. ت مقرر می‌دارد: «تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که به موجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می‌شود.» مثلاً در موقوفات اخذ تصمیم و انجام دادن اعمال حقوقی با نماینده موقوفه، یعنی متولی یا متصدی منصوب از سوی سازمان حج و اوقاف است.

باید دانست که بنا به شرایط سیاسی، اجتماعی بعضی اشخاص حقوقی عمومی به اشخاص حقوقی خصوصی قابل تبدیل هستند، البته عکس آن هم امکان پذیر است، مثلاً بانک‌های دولتی را می‌توان به بانک‌های خصوصی تبدیل نمود یا با ملی کردن بانک‌ها، آنها را از حالت خصوصی خارج می‌شود. البته در تمام موارد تصویب قانونگذار لازم است.^(۳)

۷. نتیجه‌گیری

شخص طبیعی و حقوقی تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند. تقریباً اغلب حقوق اشخاص طبیعی و اشخاص حقوقی برابر است مگر آن دسته حقوقی که فطرتاً مربوط به فرد انسانی است و شخص حقوقی به دلیل ماهیت اعتباری اهلیت تمتع برای دارا شدن آن حقوق را ندارد. طبیعتاً شخص طبیعی و حقوقی با وجود حقوق مشترک هرکدام حقوقی دارند که دیگری آنها را دارا نمی‌باشد.

علی‌ایحال این پژوهندگان سعی خود را در جهت شناساندن شخص طبیعی و حقوقی و همچنین ویژگیهای مهم هرکدام به عمل آوردند و امید است مطالب ارائه شده در آینده مثمر ثمر واقع بشوند و برای خوانندگان محترم مفید بوده باشند.

۱. قانون مدنی، ماده ۵۹۱.

۲. قانون مدنی، ماده ۱۰۰۲.

۳. انصاری، ولی‌الله، کلیات حقوق اداری، ص ۱۲۱، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۳، چاپ پنجم.

۸. منابع

۸,۱ کتب حقوقی:

- جعفری لنگرودی محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ دهم.
- کاتوزیان امیرناصر، عقود معین، جلد ۳.
- مدنی سیدجلال‌الدین، حقوق مدنی، اشخاص و محجورین، جلد ۷، تهران، ۱۳۸۵.
- صفایی سیدحسین و قاسم‌زاده سیدمرتضی، حقوق مدنی، جلد اول (اشخاص و محجورین).
- صفایی سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول (اشخاص و اموال)، ۱۳۸۹.
- کاتوزیان امیرناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، ۱۳۸۷
- فرحناکیان فرشید، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، ۱۳۸۷
- انصاری ولی‌الله، کلیات حقوق اداری، ۱۳۸۳

۸,۲ قوانین:

- قانون مدنی؛ مواد ۵۵ و ۶۲ و ۵۹۱ و ۸۵۱ و ۸۷۵ و ۹۵۷ و ۹۹۸ و ۱۰۰۲.
- قانون تجارت؛ مواد ۱۷ و ۲۰ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹.
- قانون ثبت احوال؛ ماده ۴۱.
- قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه؛ ماده ۳

۸,۳ پایگاه‌های اینترنتی:

[/https://fa.wikifeqh.ir](https://fa.wikifeqh.ir)

[/ https://www.parsalawyers.com](https://www.parsalawyers.com)

• ویکی فقه

• گروه وکلای پارسا